

## بررسی کارآمدی الگوی بومی توسعه از منظر مکتب نهادگرایی

مصطفی علیزاده آرند<sup>۱</sup>

زهرا کنعانی<sup>۲</sup>

### چکیده

نهادگرایی بر نقش نهادها در شکل دادن به روندها و نتایج کنش‌های فردی و جمعی و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی تأکید دارد؛ درحالی‌که این جایگاه نهادی و تحلیل آن به اندازه کافی مورد توجه علوم اجتماعی قرار نگرفته است. مکتب نهادگرایی می‌تواند توجه ما را به نقش متغیرهای نهادی در مسیر توسعه و پیشرفت پدیده‌های سیاسی و اقتصادی جلب کند. هدف این مقاله که به روش کتابخانه‌ای نگارش شده است، سعی می‌شود تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از منابع موجود کتابخانه‌ای، نشان دهد که چشم‌انداز نهادگرایانه چقدر با الگوی بومی اسلامی ایرانی پیشرفت سازگاری و سنخیت دارد و جایگاه نهادهای مختلف در الگوی بومی مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا از میان نهادهای مختلف اجتماعی به‌طور خاص، نقش نهادهای حقوقی و سیاسی در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. این رویکرد، می‌تواند توصیه‌های سیاستی برای اصلاح وضع موجود ارائه دهد. در این مقاله، پیشنهادهایی برای دولت برای رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تحقق آرمان‌های قانون اساسی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه (پیشرفت) ایران، ارائه می‌شود.

کلید واژگان: الگوی بومی، نهادگرایی، دولت توسعه‌گرا

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم به دلیل سیطره‌ی رویکردهای برآمده از انقلاب رفتاری، رواج شدید رویکردهای مارکسیستی و بازگشت دوباره به رویکرد نئوکلاسیک در حوزه‌ی اقتصاد، توجه به نقش متغیرهای نهادی در شکل دادن به روندها و پدیده‌های اجتماعی به حاشیه رانده شد. یعنی، نهادها نقش مستقلی در حیات اجتماعی نداشتند. اما از دهه‌ی هشتاد میلادی، علوم اجتماعی شاهد روندی رو به رشد از احیای نهادگرایی بوده است. باید اذعان نمود که اقتصاد نهادگرایی، مکتب یا نظریه‌ای در مقابل نظریه اقتصاد نوکلاسیک نیست؛ بلکه به دنبال الحاق نظریه‌ای از نهادها به علم اقتصاد می‌باشد. به‌طور کلی، می‌توان گفت نهادگرایی بر مبنای اقتصاد نوکلاسیک بنا شده و آن را اصلاح کرده و توسعه می‌دهد. تأکید اصلی این رویکرد، آن است که نهادها در اشکال مختلف بر روندها و کنش‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند و بدون توجه به شکل‌دهنده‌ی این متغیرها در حیات اجتماعی، تبیین‌های ما از پدیده‌ها، تبیین‌های ناقص و یک‌سویه خواهد بود.

۱. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه قم (نویسنده مسئول): mostafasin42@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز، km.zahra69@gmail.com

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نهادگرایان ایجاد نهادهای مدنی را به عنوان رفع مشکلات توسعه و پیشرفت مطرح کرده‌اند. مکتب نهادی شامل سه نسل مختلف است. نسل اول از جمله تورستین وبلن، به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه به عنوان پایه‌های اصلی اقتصاد توسعه توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نسل دوم که پس از جنگ جهانی دوم آغاز به کار کردند. این گروه از اقتصاددانان به تأثیر نهادهای دولتی بر فرآیند سیاست‌گذاری توجه ویژه‌ای داشته‌اند و سرانجام نهادگرایان جدید که به مباحث پیشرفته و بلندمدت تأکید کرده‌اند و نظریه‌های آنها به‌طور گسترده و با تعدیل‌های جزئی حتی در اقتصادهای مدرن نیز مورد پذیرش بوده است. مکتب نهادگرایی جدید، یک نظریه به نسبت جدید است که دیدگاه‌های آن بیشتر مورد پذیرش دانشمندان علوم اجتماعی است (دهقان و محنت فر، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

در کشور ایران، برنامه‌های متفاوتی برای نیل به پیشرفت، در دهه‌های اخیر مطرح بوده که نتوانسته است پیشرفت و رشد مناسب برای کشور را مهیا نماید. به این خاطر، ایده‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای حرکت به سمت پیشرفت ایده آل مطرح گشت. از آنجاکه هر کشور از شرایط فرهنگی و زمینه‌های توسعه متفاوتی برخوردار است بنابراین لازم است تا هر کشوری برای پیشرفت، نیازمند الگوی خاص باشد و هر ملتی باید از الگوی پیشرفت متناسب با خود بهره ببرد. نمی‌توان برای رسیدن به هدف توسعه ملی، صرفاً مدلی تک‌بعدی را مدنظر قرارداد؛ زیرا این نوع توسعه، نامتوازن و ناهمگون خواهد بود. شرط لازم در راستای یکپارچه‌سازی تلاش‌ها، طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که مبنای مدیریت کشور می‌باشد و می‌تواند یک گام جهشی در مسیر تعالی ایران باشد. طبق الگوی بومی پیشرفت باید به همه جنبه‌های مختلف کشور در راستای دستیابی به توسعه و پیشرفت توجه شود. از منظر نهادگرایی نیز اقتصاد باید به‌عنوان یک سازمان با مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارد، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از یک سازمان را نمی‌توان تنها با بررسی اجزای آن به‌صورت قسمت‌های مجزا و جدا از یکدیگر قرارداد. به همین ترتیب، فعالیت‌های اقتصادی جامعه مجموع تصمیم‌های فردی برای به دست آوردن بیشترین منافع پولی نیست بلکه فراتر از آن بوده و ناشی از فعالیت‌های جمعی می‌شود که بزرگ‌تر از مجموع اجزاء جدا از یکدیگر است.

همان‌گونه که زمینه‌ها و اهداف پیشرفت و توسعه متعدد و مختلف است، بنابراین نهادها و بسترهای گوناگون در این راستا نیز باید در نظر گرفته شود. بنابراین در این مقاله سعی شده است تا ارتباط الگوی بومی پیشرفت و مکتب نهادگرایی مورد بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ دهد که نهادها چه اهمیت و جایگاهی در الگوی بومی اسلامی ایرانی پیشرفت دارند؟

### ۲. مطالعات انجام‌شده

متوسلی (۱۳۸۲)، در فصل چهارم کتاب «توسعه اقتصادی» به تعاریف و ابعاد نهادگرایی می‌پردازد و از نظر او، نهادگرایی زمینه سست شدن شماری از فرضیه‌های نئوکلاسیک را فراهم کرده است. مشهدی احمد (۱۳۹۲) «پرداختن به معنا و مفهوم نهادها» و رابطه آن با افراد را مهم می‌داند. هدف او، بررسی تعاریف ارائه‌شده توسط نهادگرایان است و ویژگی «عادت» را دارای نقش محوری در تعاریف نهادگرایی قدیم و جدید می‌داند و به نهادگرایان جدید، این انتقاد را می‌گیرد که تنها به جنبه محدودیت سازی نهاد توجه کرده و از جنبه توانمندسازی آن غافل شده‌اند. این مقاله به بررسی نقش نهادها در مناسبات اقتصادی پرداخته است.

بشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

رابرت بیتس و همکاران (۲۰۰۴)، نقش نهادهای سیاسی از لحاظ پاسخگویی سیاسی و انضباط سیاسی در توسعه اقتصادی آفریقا را بررسی کرده‌اند. از منظر آنها، پاسخ‌گویی سیاسی منجر به اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که رفاه شهروندان را گسترش داده و شکوفایی اقتصادی را به دنبال می‌آورد. در این مطالعه، روند تحول اصلاحات سیاسی و انضباط سیاسی در آفریقا بررسی شده است و وجود تله فقر اثبات می‌شود که توسعه در آفریقا را محدود می‌کند. ویلیام وارد و همکاران (۲۰۰۰)، ارتباط بین زیرساخت نهادی و رشد اقتصادی در ۴۳ کشور در طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مقاله، در چارچوب رشد نوکلاسیک، مجموعه‌ای وسیع از متغیرهای نهادی را تلفیق می‌کند.

تئو ایشر و همکاران (۲۰۰۵)، تجربه ۲۶ کشور اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ در نقش تجربه‌ای از تغییرات نهادها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

ریشتر (۲۰۰۵)، در مقاله‌ی خود «اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنماها» بر این باور است که اقتصاد نهادی جدید از یک اصطلاح عمومی به سمت اصطلاحی استاندارد و علمی رفته است. اقتصاد نهادی جدید، تحلیل حقوق مالکیت، اقتصاد هزینه معامله، نظریه قرارداد و رویکرد نهادی جدید در تاریخ را شامل می‌شود.

### ۳. مبانی فکری و نظری نهادگرایی

نهادگرایی<sup>۱</sup>، یکی از باسابقه‌ترین رهیافت‌های تحلیلی در علوم سیاسی است. به باور گای پیترز (۱۳۸۶، ص ۱۰۶) «علم سیاست ریشه در مطالعه‌ی نهادها دارد». این مکتب، از ایالات متحده نشأت گرفته و هم‌اکنون هم تا حد زیادی در آنجا متمرکز است و آمریکایی‌ها آغاز تفکرات اساسی اقتصادی در کشور را با نوعی اندیشه‌های نهادگرایانه پیوند می‌زنند (دادگر، ۱۳۸۳). نهادگرایی، یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این نگرش در عین حال نقدی بر اقتصاد نوکلاسیک است که به نظر نهادگرایان، عناصر و فضاهای غیراقتصادی که افراد در آن تصمیم می‌گیرند را نادیده می‌گیرد. هرچند مکتب نهادی تقریباً در سال ۱۹۰۰ توسط تورستین ویبلن<sup>۲</sup> پایه‌گذاری گردید، لیکن کاملاً نوبنیاد نبود؛ بعد از ویبلن نیز، عقاید این مکتب توسط جان راجر کامونز<sup>۳</sup>، توسعه یافت و توسط جان کنت گالبرایت<sup>۴</sup> کامل‌تر شد (تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰).

اقتصاد نهادگرا شامل نهادگرایی سنتی و جدید می‌باشد. اقتصاد نهادگرایی جدید، نهادهای ساخت بشر را نتیجه‌ی ترجیحات شخصی و عوامل طبیعی یا فنی می‌داند. در مقابل، نهادگرایی سنتی، بیان می‌کند که سلايق شخصی، عاداتها و انگیزه‌ها نه تنها تعیین‌کننده‌ی طبیعت نهادها هستند، بلکه توسط نهادها شکل می‌پذیرند و محدود شده‌اند. همچنین، بر بنیادهای حقوقی یک اقتصاد، فرآیندهای تکاملی، هنجاری و ارادی تأکید می‌کند که توسط نهادها ایجاد شده و سپس تغییر می‌یابند. نهادگرایی سنتی تأکیدی بر ارتباط اقتصاد با نظام اجتماعی و سیاسی جوامع می‌باشد (آذرمنند، ص ۱۲۸).

1 Institutionalisms

2 Torstein Veblen:

3 John Roger Commons

4 John Kenneth Galbraith

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نهادگرایی سنتی، صرفاً معطوف به نهادهای آمریکایی و اروپایی بود. این رویکرد، در تحلیل و واقعیت‌های جوامع غیراروپایی ناتوان بود. در حیطه‌ی اقتصاد اگرچه این رویکرد جهت‌گیری تجربی و توصیه‌های سیاستی نیرومندی داشت، اما همان‌طور که راتر فورد (۱۳۸۹، ص ۳۳۸-۳۳۲) اشاره می‌کند، نهادگرایی به دلیل شکست برخی برنامه‌های دولت‌گرا و منتقل شدن مطالعات نهادی به حوزه‌ی جامعه‌شناسی و تلقی یک سوانگاران‌ی نهادگرایی از نقش نهادها و بی‌توجهی آن به متغیرهای دیگر باعث شد دسته‌ای از تحلیل‌گران ضمن بازگشت به ریشه‌های سنتی و تأکید بر کل‌گرایی، نگاه تکاملی و رویکرد سیستمی (ویلبر و هاریسون، ۱۳۸۵)، بن‌مایه‌ی نظری خود را غنای بیشتری دهد و دامنه‌ی وسیعی به سطوح تحلیل نهادی دهد.

در نتیجه، اگرچه نهادگرایی اولیه در انتقاد به رویکرد فائق اقتصادی ظهور نمود و نهادگرایان اولیه از منتقدان جدی نئوکلاسیک‌ها به شمار می‌آمدند، اما نهادگرایی نوین تا حد زیادی نظریه‌های خود را محدود به اجرایی و عملیاتی شدن نموده و جنبه‌ی عمل‌گرایانه‌تری در تحلیل‌های اقتصادی داشته و با مکتب نئوکلاسیک سازگارتر است. مکتب نهادگرایی، حوزه تحلیل خود را فراتر از اقتصاد مرسوم در نظر گرفته و اقتصاد را فقط شامل بازار نمی‌داند، بلکه بازار را نوعی نهاد تعریف می‌کند که خود متشکل از تعدادی نهادهای فرعی است و با سایر مجموعه‌های نهادی مانند فرهنگ، دولت، مقررات، ایدئولوژی و... ارتباط دارد. بنابراین، اقتصاد نهادی، نوعی جهت‌گیری فعال به سمت نهادهای اجتماعی از طریق تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی است (تمدن جهرمی، ۱۳۸۳).

پیتر اوانز<sup>۱</sup> در چارچوب مکتب نهادگرایی، می‌کوشد تا به‌منظور دستیابی به توسعه و با تأکید بر نقش دولت، رابطه‌ی این نهاد بشری با جامعه و جامعه‌ی مدنی را بررسی کند. از نظر او، دولت برای پیش بردن توسعه، در عین حال که باید رویه‌ی خودگردان و خودمدار را در پیش گیرد، باید با گروه‌های مختلف اجتماعی رابطه داشته باشد. آنچه در اینجا مهم است این است که برای رسیدن به توسعه نیاز به هر دو امر است هرچند کاری بسیار دشوار است (اوانز، ۱۳۸۰: ۲۴).

پیتر اوانز، در این رابطه ادعایی دارد که اصل لزوم دخالت دولت‌ها برای دستیابی به توسعه مفروض بوده و مهم، بررسی چگونگی این دخالت و ارائه کارآمدترین راه‌حل است. پایه دوم الگوی پیتر اوانز، این‌گونه هست که هیچ‌گاه یک دولت توسعه‌گرا و جامعه مربوط به آن نمی‌توانند به‌تنهایی کاری برای توسعه انجام دهند. اوانز، این مفهوم را با جمله «خوداتکایی متکی به جامعه» به کار می‌برد.

هدف اوانز، ارائه نظریه استقلال متکی به جامعه، تأکید بر نوعی استقلال قابل ملاحظه مجموعه‌ای عینی از روابط اجتماعی است که دولت را به جامعه پیوند می‌زند و مجراهای نهادی لازم برای مذاکرات مداوم درباره اهداف و خط‌مشی‌ها را فراهم می‌آورد. در این رویکرد، دولت توانمند ریشه در روابط خود با گروه‌های اجتماعی دارد و در واقع دولتی است که از دل جامعه جوشیده است. دولت در عین این‌که دارای ساختار درونی منسجم است و به‌عنوان یک‌نهاد، دارای روابط اجتماعی معینی است، بر منابع اجتماعی مختلف تکیه دارد و با تغذیه از آن‌ها بر قابلیت و توانمندی خویش می‌افزاید (اوانز، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱).

### ۳-۱- نگرش نهادگرایانه به توسعه و پیشرفت

1 Peter evans.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به نظر می‌رسد، جامع‌ترین الگوی روشمند موجود به‌منظور تبیین توسعه را نهادگرایان بازگو کرده‌اند. جمعی از اقتصاددانان با نزدیک کردن اقتصاد به جامعه‌شناسی به دنبال این بودند که برای فهم متغیرهای اقتصادی در جامعه باید نهادها و نهادمندی در آن جامعه را مورد مطالعه قرارداد (پاتنام، ۱۳۸۰). نهادگرایان، توسعه جامعه را در توسعه و پیشرفت نهادها می‌داند؛ چون نهادها با شرایط متغیر جامعه تغییر می‌کنند (قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص ۷۶۲). این نظریه میان عرصه‌های اقتصادی و عرصه‌های سیاسی رابطه برقرار می‌کند. بنابراین، برخلاف طرفداران نظریه بازار که میان اقتصاد و سیاست، تعاملی نمی‌بینند، نهادگرایان بر تعامل آن‌ها تأکید می‌کنند.

توسعه در پاسخ به تکامل تدریجی نهادهای حمایتی، اجتماعی و تجارتي ایجاد می‌گردد (نورث، ۱۳۷۷). از نظر نهادگرایان، کشورهای جهان سوم برای رسیدن به توسعه، باید در فکر تولید بیشتر درآمدها باشند تا توزیع درآمدها و هم‌چنین باید فعالیت‌های تولیدی را گسترش دهند. نهادها می‌بایست عملکرد یک اقتصاد را سازمان‌دهی و هدایت کنند و این یکی از بااهمیت‌ترین ویژگی اهمیت اقتصاد نهادگرایی جدید را برای اقتصاددانان روشن می‌کند.

### ۳-۲- دولت توسعه‌گرا در چارچوب رهیافت مکتب نهادی

نظریه دولت توسعه‌گرا که ابتدا به‌وسیله چالمرز جانسون<sup>۱</sup>، برای تبیین موفقیت اقتصادی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد، بعدها به‌وسیله افرادی دیگری چون پیتر اوانز<sup>۲</sup>، آمسدن<sup>۳</sup>، اتول کولی<sup>۴</sup> و گوردون وایت<sup>۵</sup>، برای تبیین توسعه اقتصادی دیگر کشورهای شرق آسیا مورد استفاده قرار گرفت. در واقع، این نظریه کاملاً در چارچوب رهیافت نهادگرایی قرار می‌گیرد که نقش عوامل زمینه‌ای را در توسعه یا توسعه‌نیافتگی، بسیار مؤثر می‌داند. از آنجاکه نظریه دولت توسعه‌گرا، نقش مهمی برای عوامل سیاسی در توسعه اقتصادی قائل است، کاربست این نظریه، می‌تواند خلأ بسیار بزرگ عدم بررسی میان‌رشته‌ای مباحث توسعه را تا حدی تکمیل می‌کند (دلفروز، ۱۳۹۳، ص ۴۵).

نظریه دولت توسعه‌گرا، تلاشی برای بازگرداندن دولت به کانون توسعه بود. در ادبیات توسعه، دولت توسعه‌گرا را می‌توان دارای دو بعد ایدئولوژیک و ساختاری قلمداد کرد. از منظر ایدئولوژیک، شالوده‌های دولتی، اساساً «توسعه‌گرایانه» است که برای رسیدن به توسعه اقتصادی، وظیفه‌ای برای خود قائل است. از ویژگی‌های متمایز دولت توسعه‌گرا این است که اهداف نهادی و ساختارهایشان، تحت تأثیر نهادهای اقتصادی و برعکس هستند که عوامل سیاسی در این مکتب، تعیین‌کننده در شتاب بخشیدن به توسعه است (ایمانی، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

هم‌چنین، دیگر ویژگی، نخبگان توسعه‌گرا است. رهبران و نخبگان سیاسی، نقش اساسی در سرنوشت ملت‌ها دارند. دولت‌ها باید توسط نخبگان توسعه‌گرا هدایت شوند. از دیگر ویژگی‌ها، استقلال نسبی دولت از جامعه است. منظور از استقلال، این است که دولت بتواند در برابر درخواست گروه‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای، آزادی عمل داشته باشد و تحت تأثیر درخواست‌ها قرار نگیرد و سیاست‌های توسعه‌گرایانه را در پیش بگیرد. البته این نکته نباید فراموش شود که در نظریه‌ی دولت‌های توسعه‌گرا، منظور از استقلال، جدایی دولت از جامعه نیست بلکه در ارتباط با دیگر بخش‌ها (اقتصاد، اجتماع و...) قرار دارد. لیکن در این استقلال، دولت از توان ایجاد فاصله‌ی ظریف برای اجرای

<sup>1</sup> - Chalmers Johnson.

<sup>2</sup> - Peter Evans.

<sup>3</sup> - Msdn

<sup>4</sup> - Atwell Roma

<sup>5</sup> - White Vgyrdvn.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برنامه‌هایش برخوردار است. دولت توسعه‌گرا باید با گروه‌های اجتماعی خارج از خود نیز مجموعه روابط فشرده‌ای داشته باشد تا بتواند با همکاری آنها پروژه‌های توسعه را به اجرا درآورد. بدون روابط فشرده با گروه‌های بیرونی، وظایف گسترده‌ی لازم برای دست یافتن به تحولات راستین انجام نمی‌شود. درعین حال، بدون استقلال از همین گروه‌های بیرونی، دولت به کارگزار آنها محسوب می‌شود. بنابراین، حفظ تعادل بین خودگردانی و اتکا به جامعه، کلید موفقیت دولت در تقویت تحولات اقتصادی است (اوانز، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

مکتب نهادگرایی، این مسئله را بیان می‌دارد که این مکتب، هیچ‌گاه در پی حذف دولت و یا محدود نمودن بدون معیار دولت نیست، بلکه یک دولت قدرتمند، مدرن و کارآمد که بتواند در مواقع ضروری خلأهای نظام بازار را جبران نماید، و شکل کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی را هدایت و اداره کند، لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌داند. از منظر آنان، دولت عبارت از مجموعه‌ای از نهادها به همراه طیف متنوعی از افراد است که این افراد مانند، تحت تأثیر عقلانیت محدود و رفتار فرصت‌طلبانه در جستجوی حداکثر سازی نفع خویش هستند. به‌منظور مهار رفتار فرصت‌طلبانه کارگزاران دولتی، لازم است محدودیت‌های رسمی و غیررسمی به‌دقت تصریح شوند و امکان جابه‌جایی کارگزاران سطوح مختلف از طریق سازوکارهای مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، به درصد بیشتری از توده مردم، امکان مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری داده شود. (ایمانی، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

از منظر نهادگرایان، توسعه کشور با توجه به حاکمیت سنت‌ها، فرهنگ، قواعد و محدودیت‌های خاص در هر جامعه، تأکید بر بعد جهانی و بومی توسعه، دولت مقتدر متکی به جامعه، تعامل نظارت‌شده با اقتصاد جهانی، اولویت بر ابعاد سیاسی و اجتماعی دولت، توسعه هم‌زمان تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بخش خصوصی کارآمد و نظارت‌شده، تأکید بر سرمایه انسانی و خلاقیت، انجام می‌شود (ایمانی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

### ۴. لزوم الگوی بومی و راهبردهای آن از منظر نهادگرایی

با تحول ساختار اقتصادی و تبدیل ایران به کشوری نیمه‌صنعتی، طبقات جدید اجتماعی مانند سرمایه‌داران صنعتی، صاحبان مشاغل تخصصی، کارگران صنعتی و طبقه متوسط جدید، اهمیت بیشتری در ساخت اجتماعی کشور یافتند. رشد شهرنشینی و افزایش نرخ باسوادی به همراه تحول در ساخت اجتماعی کشور و پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی، نیاز به شکل‌گیری جامعه مدنی و مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی را افزایش داده است. (محمودی، ۱۳۹۴، ص ۶۱).

یکی از مؤلفه‌هایی که باید در تدوین الگو در نظر گرفت، نهادینه شدن نظم در زندگی افراد جامعه و ارزش تلقی شدن آن و احترام به حقوق دیگران است که فرایند رشد و تکامل یک جامعه را سرعت می‌بخشد. به تدریج که در جامعه‌ای، قوانین و نهادهای قانونی برای برقراری نظم جمعی و حمایت از حقوق افراد شکل گرفت، احترام به قانون، نماد و شاخص این ویژگی تلقی خواهد شد (طغیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲). یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری توسعه مطلوب، فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی در گروه‌های مخاطب، گروه‌های تدوین‌کننده و گروه‌های مجری و خاص می‌باشد. برای دستیابی به هرگونه تغییر اجتماعی نظیر توسعه، تغییر در اجزاء فرهنگی نظام اجتماعی، دارای نقش کلیدی و پیشرو می‌باشد. از نگاه برخی از اندیشمندان، روند سریع توسعه در کشور ژاپن، تلفیق مناسبی بین فرهنگ بومی مردم ژاپن با توسعه بوده است؛ به این معنا که مردمان آن ضمن حفظ ارزش‌های فرهنگ بومی کشور خود، از

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نکات مثبت توسعه نیز بی بهره نمانده‌اند (نگاهداری، ۱۳۹۰، ص ۲۳). بنابراین در الگوی بومی پیشرفت توجه و اهتمام به این امور از مؤلفه‌های اساسی دستیابی به امور مطلوب است.

از معیارهایی که در نهادگرایی مهم است، تأکید بر ابعاد سیاسی، اجتماعی دولت می‌باشد. در الگوهای توسعه‌ای قبل از انقلاب، توسعه به صورت تک‌خطی دیده می‌شود، یعنی سرنوشتی حتمی مانند روند موجود در غرب، منتظر توسعه در ایران است. اما بعد از انقلاب، توسعه ضمن جهانی بودن، به صورت منطقه‌ای و بومی نیز می‌باشد که با توجه به قیدها و محدودیت‌های تاریخی هر جامعه، توسعه به پیش می‌رود. در برنامه پنجم بعد از انقلاب، با وجود این که بخش خصوصی نیز به عنوان یک نهاد مهم و جزئی از توسعه، محسوب می‌شود، ولی در عمل، ایفای نقش گسترده دولت درازای زیان و کوچک شدن بخش خصوصی، در حال انجام است.

برای تعامل درست اقتصاد و سیاست که بتواند به شکل مطلوبی به بهبود فرآیند توسعه در یک کشور بینجامد، نیازمند برنامه‌ریزی درست ایده‌ی اولیه در فرآیند توسعه و تشکیل نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن است و باید میان تاریخ، حال و آینده ارتباط برقرار شود. این ایده‌ی تشکیل نهاد در آغاز سیاست‌گذاری (از جمله سیاست‌گذاری توسعه)، «تأثیری مستمر و تعیین‌کننده تا آینده‌های دور بر آن سیاست‌گذاری خواهند داشت» (پیترز، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹). از آنجاکه فرآیند توسعه باید برای عموم مردم جامعه مطلوبیت به همراه بیاورد، می‌بایست تا تشکیل یک نهاد، مبتنی بر نهادهای مدنی و فراتر از تصمیم‌های فردی باشد. در جهان سوم، منافع فردی در تشکیل نهادها نقش اساسی بازی می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه در جهان سوم حالت نهادی یافته، «انحصار» است؛ این نهادهای انحصارگر، به تدریج به نیروهای مقاومی تبدیل می‌شوند که جلوی هرگونه نیرو و نهاد کارآمد توسعه می‌ایستد. (غفاری و رادمرد، ۱۳۹۶، ص ۹۷۳).

یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری توسعه مطلوب، فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی در گروه‌های مخاطب، گروه‌های تدوین‌کننده و گروه‌های مجری و خاص می‌باشد. برای دستیابی به هرگونه تغییر اجتماعی نظیر توسعه، تغییر در اجزاء فرهنگی نظام اجتماعی، دارای نقش کلیدی و پیشرو می‌باشد. از نگاه برخی از اندیشمندان، روند سریع توسعه در کشور ژاپن، تلفیق مناسبی بین فرهنگ بومی مردم ژاپن با توسعه بوده است؛ به این معنا که مردمان آن ضمن حفظ ارزش‌های فرهنگ بومی کشور خود، از نکات مثبت توسعه نیز بی بهره نمانده‌اند (نگاهداری، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

آنچه تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند، تفاوت بسترهایی است که قرار است پذیرای تغییرات ناشی از توسعه باشند. توجه به بسترهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یکی از سازوکارهای دولت‌های جدید است که در اصطلاح به آن‌ها «دولت توسعه‌گرا» می‌گویند. دولت‌های توسعه‌گرا نهادهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را محور برنامه‌های خود قرار می‌دهند.

از آنجا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی برای تمامی اقشار جامعه است و باید اصولی برای پیشرفت و سعادت همه‌ی آحاد جامعه ارائه نماید تا بتواند بر اساس مصالح فردی، مسیر مناسب زندگی و پیشرفت خود را پیدا کند (طباطبائیان و میرزایی، ۱۳۹۱، ص ۵۲۹). بدین ترتیب نهادهای ساز و توجه به نهادهای مختلف ضروری است.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

اگرچه در کشورهای جهان سوم، نهادهای ناقص در این کشورها موجب به وجود آمدن سازمانهای ناکارا و عملکرد اقتصادی ضعیف در این کشورها شده‌اند. به‌طور مثال، در ایران، به نقش نهادها در کارکرد اقتصاد ایران کمتر توجه شده است که ناشی از عدم درک درست مباحث نهادی در فضای علمی کشور است و نهادهای رسمی و غیررسمی برای کنترل اقتصاد مدرن و صنعتی هماهنگ و کافی نیستند (جوشفانی نائینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸). اما این دلیلی بر این مسئله نمی‌شود که در امر توسعه و پیشرفت بر نهادهای مختلف جامعه چشم پوشی شود.

### ۵. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، آثار و پیامدهای برنامه‌ریزی توسعه به سبک غربی، از یک‌سو، نتوانسته همانند کشورهای غربی باعث توسعه کشور شود و از سوی دیگر نیز ارزش‌های آن در مغایرت با ارزش‌های اسلامی قرار گرفته است. دلیل این امر را باید در اینجا جست‌وجو کرد که مبانی، اقتضائات، و مسائل و غایات توسعه با مبانی، اقتضائات و مسائل و غایات جامعه‌ی اسلامی ایران زاویه دارد و این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه ایران را ایجاب می‌کند. در نتیجه، تعریفی که از الگوی توسعه با توجه به مکتب نهادگرایی مدنظر ما است این می‌باشد که توسعه، امری ارزشی است که در چارچوب نظام‌های اجتماعی-فرهنگی، شکل خاصی پیدا می‌کند. همان‌طور که در مکتب نهادگرایی، توسعه با توجه به حاکمیت سنت‌ها و محدودیت‌های هر جامعه، همچنین بعد بومی توسعه انجام می‌گیرد در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این اصل رعایت شده است. مکتب که نهادی نقش مؤسسه‌ها و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. «نهاد» تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به‌عنوان جزء و بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته می‌شود. نهاد شامل رسوم، عادات اجتماعی، قوانین، روش‌های فکری و به‌طور کلی روش زندگی است. نهادگراها معتقدند که زندگی اقتصادی به‌وسیله نهادهای اقتصادی و نه به‌وسیله قوانین اقتصادی کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها کنترل می‌شود. بنابراین طبق رویکرد نهادگرایی توجه جدی به نهادها و سنت‌ها در الگوی بومی پیشرفت یکی از نقاط قوت الگو می‌باشد.

. توسعه‌ی اسلامی، یک فرآیند تحول بلندمدت، همه‌جانبه (و نه صرفاً اقتصادی)، ساختاری و کیفی درون یک نظام اجتماعی-فرهنگی به نام جامعه (دولت و ملت) است که نیازهای واقعی رو به گسترش جمعیت را با روش عقلانی و با جمع زدن بین سنت و مدرنیته و در چارچوب اهداف و احکام اسلام برآورده می‌کند. پس جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکرد نهادگرایی، الگوی بدیل توسعه بومی که بتواند کشور را به سمت پیشرفت همراه با معنویت و عدالت برساند، دنبال کرد.

### ۶. توصیه‌های کاربردی برای بهبود محیط نهادی و استقرار دولت مطلوب

- توجه جدی به فرهنگ و سنت‌های بومی. یکی از راه‌های رسیدن به پیشرفت اسلامی را می‌توان با الگوی ویلیامسون تطبیق داد. بنابراین، چهار سطح الگوی نظری ویلیامسون را می‌توان با شرایط اقتصادی ایران تطبیق داد. در سطح اول، ویلیامسون بر نهادهای غیررسمی مانند فرهنگ‌ها، سنت‌ها، هنجارها و مذهب اشاره کرده است که باید نقش دین و مذهب تشیع و فرهنگ ایرانی را مدنظر قرارداد. به نظر می‌رسد، ظرفیت راهبردی مکتب اهل بیت علی‌ه‌السلام برای تمدن‌سازی نوین اسلامی مورد وفاق می‌باشد.



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- تقویت جامعه مدنی و اهمیت دادن به حوزه عمومی و ترغیب نهادهای مردمی.
- توزیع عادلانه ثروت و امکانات در سطح جامعه، مکتب نهادی از برنامه اصلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه ثروت و درآمد حمایت می‌کند. این مکتب، برخلاف عقاید کلاسیک‌ها، توجه خود را به هزینه‌ها و منافع اجتماعی معطوف می‌دارد. به عبارت دیگر، این مکتب اقتصاد آزاد سرمایه‌داری را محکوم کرده و به نقش دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم، اعتقاد دارد
- یکپارچگی و انسجام نهادهای قوای سه‌گانه ضمن تکثرگرایی قدرت. سطح دوم الگوی نظری ویلیامسون، حقوق مالکیت (حکومتی، قضایی و دیوان‌سالاری)، است. بدین منظور، تحقق اهداف و آرمان‌های مندرج در قانون اساسی بدون برخورداری از یک نظام یکپارچه امکان‌پذیر نیست. حکومت باید بتواند از تمامی امکانات و منابع خود استفاده نماید. بنابراین تأمین امکانات مساوی و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری از جمله کار ویژه‌های حکومت است.
- دوری از بروکراسی پیچیده و پرهیز از کاغذبازی‌های دست و پاگیر که سرعت و کارایی را تقلیل می‌دهند. موانع سخت و دیوان‌سالاری اداری باعث شده است که تا بخش خصوصی، به بخش زیرزمینی، غیررسمی، تبدیل شده و توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه ساخته است همچنین، چارچوب نهادی نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند و نقش دولت در تنظیم سیاست‌ها، قوانین و مقررات باکیفیت، و اصلاح حدود دخالت‌های دولت، تعیین‌کننده است..
- اصلاح ساختاری و ارتقای کیفیت و کارایی نهادهای سیاسی و حقوقی در اولویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان قرار گیرد. استفاده از تجارب و دانش دیگران با رعایت اقتضائات، فرهنگ، باور و اعتقادات کشور و جامعه، موقعیت جغرافیایی و اقلیمی و غیره، مدلی مناسب و سازگار برای کشور است.

### منابع

- اوانز، پیتر. (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول. ترجمه‌ی محمد رضا رضوی. انتشارات طرح نو.
- ایمانی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اقتصاد سیاسی توسعه در برنامه‌های پنجم توسعه پیش و پس انقلاب اسلامی ایران. پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز. شیراز.
- آذرمند، حمید. نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه‌ی سلام.
- پیترز، گای. (۱۳۸۶). نظریه نهادگرایی در علم سیاست. ترجمه‌ی فرشاد مؤمنی و فریبا مؤمنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نی.
- تمدن جهرمی، محمد حسین. (۱۳۸۳). رؤیایرایی مکاتب اقتصادی. تهران: انتشارات دانشگاهی.
- جوشقانی نایینی، سید حمید. توکلی، محمد جواد و داوودی، محمد جواد. (۱۳۹۶). تطور مفهومی نهاد و دلالت‌های آن بر مطالعات نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران. جستارهای اقتصادی ایران. ش ۲۸. ص ۹۷-۱۲۰.
- دادگر، یدالله. (۱۳۸۳). تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی. تهران: دانشگاه مید.
- دلفروز، محمد تقی. (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی، تهران: آگاه.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسوم خردادماه ۱۳۹۸

دهقان، تورج و محنت فر، یونس. (۱۳۹۱). بررسی مکتب نهادگرایی در سیر اندیشه های اقتصادی. مجله اقتصادی. جلد ۶. ش ۵۵. ص ۴۱.

رائر فورده، مالکوم. (۱۳۸۹). اقتصاد نهادی: گذشته و حال. محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب، محمود مشهدی احمد و علی نیکو نسبیتی (گردآوری و ترجمه)، در: اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند. تهران: دانشگاه امام صادق.

طباطبائیان، حبیب الله و میرزایی، صابر. (۱۳۹۱). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نگرشی جامع، در: مجموعه مقالات نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نقشه راه طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. جلد یکم. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

طغیانی، مهدی. (۱۳۹۰). ترسیم راه کارها و ضوابط دستیابی به جامعه مطلوب ایرانی در سال ۱۳۹۳. برنامه ریزی و بودجه. سال شانزدهم. شماره ۱. صص ۱۸۸ - ۱۶۱.

غفاری، مسعود. رادمرد، محمد. (۱۳۹۶). نهادگرایی در توسعه و چرایی سقوط نظام پهلوی. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۷. ش ۴. صص ۹۸۸-۹۶۹.

قدیری اصل، باقر. (۱۳۷۶). سپر اندیشه اقتصادی. چ ۹. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

متوسلی، محمود. (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، تهران: سمت.

محمودی، عظیم اله. (۱۳۹۴). تبیین نقش دولت در اجرای برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر نهادگرایی (پیترواوانز). پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز

مشهدی احمد، محمود. (۱۳۹۲). نهادگرایی و بلن چالشی در برابر بنیان های روش شناختی و نظری علم اقتصاد. فصلنامه پژوهش های اقتصادی. سال چهاردهم. شماره ۵۲. صص ۱۲۲ - ۸۷.

نگاهداری، بابک. (۱۳۹۰)، مؤلفه های پیشرفت و توسعه در اسلام؛ پیش درآمدی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: راه دان.

نورث، داگلاس. (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمد رضا معینی. انتشارات مرکز مدارک و انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

ویلبر، چارلز و رابرت هاریسون. (۱۳۸۵). بنیان روش شناختی اقتصاد نهادی: الگو، داستان سرایی و کل گرایی. ترجمه عباس رحیمی. در فصلنامه ی اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه. سال اول. شماره سوم.

. Robert H. Bates, Avner Greif.(2004). Macartan Humphreys, and Smita Singh "Institutions and Development". CID Working Paper No. 107.

Eicher, Theo, and Till Schreiber (2005). Effects of Institutional Change on Economic Growth: Time Series Evidence from Natural Experiments. University of Washington.

Rudolf Richter.(2005). "New Institutional Economics: Its Start, Its Meaning, Its Prospects".The European Business Organization Law Review. Vol. 6, No. 2, 2005, pp. 161-200.

Ward William A. and Maya Vijayaraghavan (2000). "Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross-National Analysis". Clemson University. onomics; American Economic Review . Vol. 88: p.p. 72-94.